

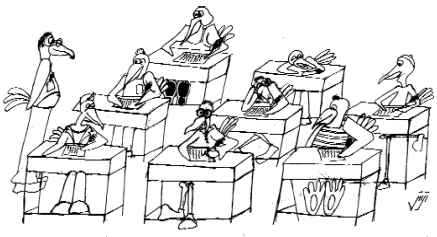


# آبرود

**۱- یک روز یک برای یک**  
 خره رو توی خیابان می بیند  
 می گوید: سلام بو!  
**۲- یک روز داوود چند**  
 ساعتی زیر آب بود وقتی از  
 آب بیرون آمد به او گفتند  
 چرا خفه نشدی، او عکس  
 رینس را از جیبش در آورد  
 و گفت: این نفس من بیده.  
**۳- مردی برای اولین بار**  
 وارد اتوبوس شد وقتی که  
 میله‌های اتوبوس را دید گفت  
 به به مبارک است. اینجا هم  
 لوله کشی گاز شده است.  
**۴- اولی: این ماهی را با تور**  
 گرفته‌ای یا با قلاب؟  
**دومی: هیچ کدام با**  
 اسکناس.  
**۵- اولی: پدر من خیلی**  
 سرشناس است.  
**دومی: مگر پدرت چه کاره**  
 است  
**اولی: مغازه سلمانی دارد.**  
**ارواح خصبه!**

جان کوچولو  
 دو چرخه. بله درست حدس زدید،  
 لافدوزی بود. اونم که صدش آخرش  
 بود.  
 بعد از اون نون خشکی اومد " نون  
 خشکی، نمکبه ". بعد از ظهر هم که  
 بچه‌ها فوتبال بازی می کردند و صدای  
 دو دگر ماشینها رو در می آوردند. این  
 کار هر روز اینها بود که روزی چند دفعه  
 تکرار می شد. دیگه همه این حرفا رو  
 حفظ شده بودم.  
 یکدفعه فکری به نظرم رسید، و رفتم و  
 چنتا تابلوی که روش نوشته " در این  
 محل پارک و نزدیک و داد نکشید " سفارش  
 دادم و جلوی چند تا خونه زدم.  
 از اون روز به بعد با خیالی راحت  
 درس رو خوندم ولی آخر سر هیچ جا  
 قبول نشدم و همه کتابها رو دادم نمکی و  
 قیود تا نشست و آیکوش خریدم که شاید  
 روزی به دردم بخورد بعدش هم پیش  
 یکی از اونا استخدام شدم.

## اینم درس خوندن ما



سم پاشیه، گل کاری، باغچه بیل  
 می زیم و از این حرفها.  
 با خودم گفتم خوبه ما باغچه نداریم  
 بگذریم این هم گذشت. ولی مگه بقیه  
 دست بردار بودند! نفر بعدی اومد با

کتر بود و دیگه آخراش بود. حدوداً  
 یک ریعی ایستاد بعدش هم رفت.  
 دوباره سکوتی همه جا رو فرا گرفت  
 ولی این سکوت چندان دوام نداشت که  
 دوباره یکی که تنها بودی گفت:

امتحانات پایان ترم بود. نه خیلی  
 هیو شدیم، امتحان کنکور بود. آره  
 دهنه...  
 نشسته بودم به جای خلوت و دنج که  
 هیچ صدایی نیاد که یکدفعه صدای  
 بلندگویی پرده گوشم رو به لرزه درآورد  
 می گفت: آهن پاره، رادیو ضبط،  
 تلویزیون، مشعل گازوئیل، آدم فضول  
 ... و خریداریم.  
 تا چند دقیقه که همینارو می گفت:  
 بعدش هم وسط خیابون ایستاد و این  
 باز خودش داد می زد. دیگه داشت  
 اعتصاب خورد می شد که دیدم داره  
 می ره خوشحال شده دقایقی به همین  
 آرامش گذشت که باز دیدم یکی داد  
 می زنه که: خیاب سبز قلمی، گل کنار  
 سنبه، گوجه فرنگی فرنگی گوجه،  
 هندو زیمینی، پیاز، خربزه و هر چی که  
 میوه دیگه بود هم می گفت ولی اگه  
 ماشینش رو نگاه می کردی از نصف هم

**هدیه پیشگاه کارکنان**  
**پیر و مشکلات مختلف جامعه**  
 پس از سالها پیگیری توانستیم  
 به راه حل های برخی از مشکلات  
 برسیم که برای رسیدگی بیشتر  
 نظر مسئولان محترم را به آن  
 جلب می کند.

**اشتغال جوانان و مبارزه با بیکاری:**  
 برای این معضل می توان جوانان را به اخبار تساری  
 دیه آفلاینه و دنبال کردن آن مشغول کرد و لاقال آن‌ها  
 برای چهار سال سر کار یک شغل آبرومندانه خواهند  
 بود.

**تورم:**  
 برای حل این معضل می توان مثل همیشه وعده داد  
 چون پروهش‌ها نشان از آن دارد که ماهها زود خر  
 می شویم و هر چیزی را قبول می کنیم.

**اعتیاد:**  
 برای حل این معضل خانمان سوز می توان آن قدر  
 مواد مخدر را به صورت عمده در اختیار یک ترک مردم  
 قرار داد تا آن‌ها آن قدر از آن بکشند تا دیگر مواد  
 مخدری باقی نماند تا جوانان ما به دام آن نیفتند.



**بچه‌ها چکاچک**  
 صدای خشن خش بر گهگا زیر پایم سکوت شب را می شکست. نم نم باران  
 لباسم را خیس کرده بود. وحشت تمام وجودم را فرا گرفته بود. از دور دست  
 نوری به چشمم خورد ولی نور کمی بود و زود از بین رفت. ولی در همون لحظه  
 نور شایدهی چشمم رو از می داد. نفهمیدم از کجا آمد و مدتی زیاد هم طول  
 نکشید که از بین رفت. این وقایع بر ترس من همچنان می افزودند. که ناگهان  
 زوزه‌های گرگ را از دور دست شنیدم. با سرعت زیادی پا به فرار گذاشتم ولی  
 آنها به من نزدیک می شوند که یک لحظه آژیر حمله به صدا درآمد و سرخیوستان  
 جنگل سروکله اشان پیدا شد و با نیزه‌هایشان به طرف گرگها نشانده روی کردند  
 ولی اصلا نشونه گریخی خوبی نداشتند چونکه یکی از اون نیزه‌ها به دست من  
 خورد و نوش افتاد. نترسیدم و نپولدمی کمی از دستم خون اومد.  
 اونا منو گرفتند و بردند که دارم برزند. طناب دار را برگردونم آویختند و  
 همین که طناب را ول کردند من از خواب پریدم. خدا را شکر کردم. دیدم  
 سرم بین دو جوب تخت گیر کرده.  
 صدای بر گهگا هم چیزی نبود جز کتاب درسی که زیر پایم ورق روق شده بود.  
 داشتم هم سرم شب زیاد آب خورده بود و اسهال بالایی سرم را بارانی کرده  
 بود. بعدش فهمیدم که نور کم برای چراغ آفره زردی بود که سراغ همسایه ما  
 رفته و نور شدید هم نور چراغ دستشویی بوده که با بام رفته بود. زوزه‌های  
 گرگ هم صدای برنامه مستند حیوانات بوده که با بام داشتم می دیدم. نیزه هم  
 چیزی نبود جز سوزن باز شده ملاقم که رفته بود تو دستم. آژیر حمله هم همون  
 صدای آژیر ماشین پلیس ۱۱۰ بود.  
 ۱. این قبسه برمی گردد به دختر خواب و طبقه

**بابتی بازی:**  
 این مشکل را نباید حل کرد چون لطمه بسیار زیادی  
 به وزارتخانه و مسئولان و آقا زاده‌ها می زند.  
**از دور خارج کردن ماشینهای فرسوده:**  
 برای این مسئله کاری که باید کرد این است که  
 ماشینهای تازه از جمله یکبار از موتازت نکند، چون  
 این اتومبیل‌ها خیلی بیشتر از اتومبیلهای فرسوده دود  
 می کند.  
**افزایش جمعیت:**  
 نباید زیاد نگران این مشکل به ویژه در تهران بود  
 چون یک زمین لرزه ۶ ریشتری کافی است تا بیش از  
 نیمی از جمعیت تهران را بکاهد، همچنین بقیه  
 جمعیت را هم می توان سرکسبه کرد.  
**بهبود وضع اقتصادی:**  
 برای رسیدن به این هدف می توان تمامی مواد  
 غذایی از جمله، شیر، نان و... را از چند ماه به مردم  
 نداد چون با این کلک هم جمعیت کمتر می شود و هم  
 مواد غذایی ذخیره می شود برای تکمیل این طرح  
 می توان ایهای بیشتری را صادر کرد حتی نه مانده‌های  
 آب زاینده رود!  
**فاصله طبقاتی:**  
 برای حل این معضل باید هر چه اموال و دارایی  
 ثروتمندان است را به طرق مختلف از آن‌ها گرفت تا  
 آن‌ها هم مثل بقیه به زیر خط فقر بیش از ۷۰ درصدی  
 بیوفتند و این فاصله از بین برود.

**بچه‌ها چکاچک**  
 تا امروز من گردن شکسته که بابت ترتر  
 باشم سعی کردم تیزهای امرداد رو هر  
 دفعه به جوری خنده دارش کنه که شماها  
 بخندین. امرداد که پوره نامه سالگرد  
 امرداد(اللهه سالگرد هفته پیش بود ولی  
 چون نوبت صفحه جوان بود ما ایندفعه  
 سالگرد(مونه) و باید مطالب خنده دارتر  
 باشه هر کاری می کنم نمی توئم به چیز  
 خنده دار از توی این تیزترها در بیارم. آخه  
 راستشو بخوابین تیزهای شماره قبلی  
 اینقدر خنده دارهست که احتیاج نیست  
 کسی خنده دارش کنه. مثلا اونجا که توی  
 صفحه مردم نوشته چرا بعضی ها بیشتر  
 ترش می کنند و یک مشت دلیل  
 فیزیولوژیکی عجب به غریب براش آورده  
 می گفتن که از من می پرسید بعضی  
 آخه مردم معلومه منم میباشم که با  
 خوندن یا شنیدن بعضی چیزها به تیرپ  
 قیاشون برمی خوره بیشتر ترش می  
 کنند. کسبایی که می خوانن دلادولا  
 شترسواری کنن وقتی بپشون یکی یا  
 اجازه کی سوار شتر مردم میشی بیشتر  
 ترش می کنن. خلاصه کلام هر کی بخواد  
 زبیری بره و کسی نفهمه، وقتی یکی  
 فهمید بیشتر ترش می کنه.  
 یا اونجایی که نوشته اسمال درجنشواره

**بچه‌ها چکاچک**  
 نمی خوای به ازای این مداد به پولی بدی تو  
 هم که حالت خوب نیست. داری هزیون  
 می گی می چرا و تو می پول نداری  
 ایندفعه به جای پول توی کیف و توی ماشین  
 خود کیف و ماشین رو برمی داری و تازه  
 می فهمی به به دزد شدی و دیگر توی خونه  
 جایی نداری حالا خر بیاض باقالی باز کن  
 حالا دیگر جات می شه پیش معتادان و در زمان  
 گوشه‌خوابون و حالا که می بینی پول نداری،  
 برای اموال می ری می آدم کشی بله خوب دیگه  
 پلیسها هم به جرم آدم کشی دنبالت و دیگر  
 می فهمی تو تخن اوضاعی گیر کردی و پادت  
 می آید همه چیز از همون به یک شروع شد  
 پس حالا دیگه دزد، معتاد و آدمکش هستی و  
 در گوشه‌ای خوابی و آدم کشی هم که توی  
 تلویزیون تابلو شده پس دیگه اگر قرار هم  
 می کنی و به قول پارو «به حلی می بری».  
 می ری می ری می بینی به پولی می یاد می ری  
 تو می بینی دست بچه‌ها سیگار از دست  
 رفیقش می قاپی و می کنی به از به مدتی که  
 حالت جا می یاد بازی می فهمی بله معتاد هم  
 شدی. چون این یکی رو که کشیدی سیگار  
 نبود بلکه سیگاری بود. پس حالا تو هم که  
 شارژ شدی دست بچه‌ها بیعت می کن  
 استعداد

**بچه‌ها چکاچک**  
 نمی خوای به ازای این مداد به پولی بدی تو  
 هم که حالت خوب نیست. داری هزیون  
 می گی می چرا و تو می پول نداری  
 ایندفعه به جای پول توی کیف و توی ماشین  
 خود کیف و ماشین رو برمی داری و تازه  
 می فهمی به به دزد شدی و دیگر توی خونه  
 جایی نداری حالا خر بیاض باقالی باز کن  
 حالا دیگر جات می شه پیش معتادان و در زمان  
 گوشه‌خوابون و حالا که می بینی پول نداری،  
 برای اموال می ری می آدم کشی بله خوب دیگه  
 پلیسها هم به جرم آدم کشی دنبالت و دیگر  
 می فهمی تو تخن اوضاعی گیر کردی و پادت  
 می آید همه چیز از همون به یک شروع شد  
 پس حالا دیگه دزد، معتاد و آدمکش هستی و  
 در گوشه‌ای خوابی و آدم کشی هم که توی  
 تلویزیون تابلو شده پس دیگه اگر قرار هم  
 می کنی و به قول پارو «به حلی می بری».  
 می ری می ری می بینی به پولی می یاد می ری  
 تو می بینی دست بچه‌ها سیگار از دست  
 رفیقش می قاپی و می کنی به از به مدتی که  
 حالت جا می یاد بازی می فهمی بله معتاد هم  
 شدی. چون این یکی رو که کشیدی سیگار  
 نبود بلکه سیگاری بود. پس حالا تو هم که  
 شارژ شدی دست بچه‌ها بیعت می کن  
 استعداد

**بچه‌ها چکاچک**  
 تا امروز من گردن شکسته که بابت ترتر  
 باشم سعی کردم تیزهای امرداد رو هر  
 دفعه به جوری خنده دارش کنه که شماها  
 بخندین. امرداد که پوره نامه سالگرد  
 امرداد(اللهه سالگرد هفته پیش بود ولی  
 چون نوبت صفحه جوان بود ما ایندفعه  
 سالگرد(مونه) و باید مطالب خنده دارتر  
 باشه هر کاری می کنم نمی توئم به چیز  
 خنده دار از توی این تیزترها در بیارم. آخه  
 راستشو بخوابین تیزهای شماره قبلی  
 اینقدر خنده دارهست که احتیاج نیست  
 کسی خنده دارش کنه. مثلا اونجا که توی  
 صفحه مردم نوشته چرا بعضی ها بیشتر  
 ترش می کنند و یک مشت دلیل  
 فیزیولوژیکی عجب به غریب براش آورده  
 می گفتن که از من می پرسید بعضی  
 آخه مردم معلومه منم میباشم که با  
 خوندن یا شنیدن بعضی چیزها به تیرپ  
 قیاشون برمی خوره بیشتر ترش می  
 کنند. کسبایی که می خوانن دلادولا  
 شترسواری کنن وقتی بپشون یکی یا  
 اجازه کی سوار شتر مردم میشی بیشتر  
 ترش می کنن. خلاصه کلام هر کی بخواد  
 زبیری بره و کسی نفهمه، وقتی یکی  
 فهمید بیشتر ترش می کنه.  
 یا اونجایی که نوشته اسمال درجنشواره

**بچه‌ها چکاچک**  
 تا امروز من گردن شکسته که بابت ترتر  
 باشم سعی کردم تیزهای امرداد رو هر  
 دفعه به جوری خنده دارش کنه که شماها  
 بخندین. امرداد که پوره نامه سالگرد  
 امرداد(اللهه سالگرد هفته پیش بود ولی  
 چون نوبت صفحه جوان بود ما ایندفعه  
 سالگرد(مونه) و باید مطالب خنده دارتر  
 باشه هر کاری می کنم نمی توئم به چیز  
 خنده دار از توی این تیزترها در بیارم. آخه  
 راستشو بخوابین تیزهای شماره قبلی  
 اینقدر خنده دارهست که احتیاج نیست  
 کسی خنده دارش کنه. مثلا اونجا که توی  
 صفحه مردم نوشته چرا بعضی ها بیشتر  
 ترش می کنند و یک مشت دلیل  
 فیزیولوژیکی عجب به غریب براش آورده  
 می گفتن که از من می پرسید بعضی  
 آخه مردم معلومه منم میباشم که با  
 خوندن یا شنیدن بعضی چیزها به تیرپ  
 قیاشون برمی خوره بیشتر ترش می  
 کنند. کسبایی که می خوانن دلادولا  
 شترسواری کنن وقتی بپشون یکی یا  
 اجازه کی سوار شتر مردم میشی بیشتر  
 ترش می کنن. خلاصه کلام هر کی بخواد  
 زبیری بره و کسی نفهمه، وقتی یکی  
 فهمید بیشتر ترش می کنه.  
 یا اونجایی که نوشته اسمال درجنشواره

**بچه‌ها چکاچک**  
 تا امروز من گردن شکسته که بابت ترتر  
 باشم سعی کردم تیزهای امرداد رو هر  
 دفعه به جوری خنده دارش کنه که شماها  
 بخندین. امرداد که پوره نامه سالگرد  
 امرداد(اللهه سالگرد هفته پیش بود ولی  
 چون نوبت صفحه جوان بود ما ایندفعه  
 سالگرد(مونه) و باید مطالب خنده دارتر  
 باشه هر کاری می کنم نمی توئم به چیز  
 خنده دار از توی این تیزترها در بیارم. آخه  
 راستشو بخوابین تیزهای شماره قبلی  
 اینقدر خنده دارهست که احتیاج نیست  
 کسی خنده دارش کنه. مثلا اونجا که توی  
 صفحه مردم نوشته چرا بعضی ها بیشتر  
 ترش می کنند و یک مشت دلیل  
 فیزیولوژیکی عجب به غریب براش آورده  
 می گفتن که از من می پرسید بعضی  
 آخه مردم معلومه منم میباشم که با  
 خوندن یا شنیدن بعضی چیزها به تیرپ  
 قیاشون برمی خوره بیشتر ترش می  
 کنند. کسبایی که می خوانن دلادولا  
 شترسواری کنن وقتی بپشون یکی یا  
 اجازه کی سوار شتر مردم میشی بیشتر  
 ترش می کنن. خلاصه کلام هر کی بخواد  
 زبیری بره و کسی نفهمه، وقتی یکی  
 فهمید بیشتر ترش می کنه.  
 یا اونجایی که نوشته اسمال درجنشواره

**بچه‌ها چکاچک**  
 تا امروز من گردن شکسته که بابت ترتر  
 باشم سعی کردم تیزهای امرداد رو هر  
 دفعه به جوری خنده دارش کنه که شماها  
 بخندین. امرداد که پوره نامه سالگرد  
 امرداد(اللهه سالگرد هفته پیش بود ولی  
 چون نوبت صفحه جوان بود ما ایندفعه  
 سالگرد(مونه) و باید مطالب خنده دارتر  
 باشه هر کاری می کنم نمی توئم به چیز  
 خنده دار از توی این تیزترها در بیارم. آخه  
 راستشو بخوابین تیزهای شماره قبلی  
 اینقدر خنده دارهست که احتیاج نیست  
 کسی خنده دارش کنه. مثلا اونجا که توی  
 صفحه مردم نوشته چرا بعضی ها بیشتر  
 ترش می کنند و یک مشت دلیل  
 فیزیولوژیکی عجب به غریب براش آورده  
 می گفتن که از من می پرسید بعضی  
 آخه مردم معلومه منم میباشم که با  
 خوندن یا شنیدن بعضی چیزها به تیرپ  
 قیاشون برمی خوره بیشتر ترش می  
 کنند. کسبایی که می خوانن دلادولا  
 شترسواری کنن وقتی بپشون یکی یا  
 اجازه کی سوار شتر مردم میشی بیشتر  
 ترش می کنن. خلاصه کلام هر کی بخواد  
 زبیری بره و کسی نفهمه، وقتی یکی  
 فهمید بیشتر ترش می کنه.  
 یا اونجایی که نوشته اسمال درجنشواره

**بچه‌ها چکاچک**  
 تا امروز من گردن شکسته که بابت ترتر  
 باشم سعی کردم تیزهای امرداد رو هر  
 دفعه به جوری خنده دارش کنه که شماها  
 بخندین. امرداد که پوره نامه سالگرد  
 امرداد(اللهه سالگرد هفته پیش بود ولی  
 چون نوبت صفحه جوان بود ما ایندفعه  
 سالگرد(مونه) و باید مطالب خنده دارتر  
 باشه هر کاری می کنم نمی توئم به چیز  
 خنده دار از توی این تیزترها در بیارم. آخه  
 راستشو بخوابین تیزهای شماره قبلی  
 اینقدر خنده دارهست که احتیاج نیست  
 کسی خنده دارش کنه. مثلا اونجا که توی  
 صفحه مردم نوشته چرا بعضی ها بیشتر  
 ترش می کنند و یک مشت دلیل  
 فیزیولوژیکی عجب به غریب براش آورده  
 می گفتن که از من می پرسید بعضی  
 آخه مردم معلومه منم میباشم که با  
 خوندن یا شنیدن بعضی چیزها به تیرپ  
 قیاشون برمی خوره بیشتر ترش می  
 کنند. کسبایی که می خوانن دلادولا  
 شترسواری کنن وقتی بپشون یکی یا  
 اجازه کی سوار شتر مردم میشی بیشتر  
 ترش می کنن. خلاصه کلام هر کی بخواد  
 زبیری بره و کسی نفهمه، وقتی یکی  
 فهمید بیشتر ترش می کنه.  
 یا اونجایی که نوشته اسمال درجنشواره

**بچه‌ها چکاچک**  
 تا امروز من گردن شکسته که بابت ترتر  
 باشم سعی کردم تیزهای امرداد رو هر  
 دفعه به جوری خنده دارش کنه که شماها  
 بخندین. امرداد که پوره نامه سالگرد  
 امرداد(اللهه سالگرد هفته پیش بود ولی  
 چون نوبت صفحه جوان بود ما ایندفعه  
 سالگرد(مونه) و باید مطالب خنده دارتر  
 باشه هر کاری می کنم نمی توئم به چیز  
 خنده دار از توی این تیزترها در بیارم. آخه  
 راستشو بخوابین تیزهای شماره قبلی  
 اینقدر خنده دارهست که احتیاج نیست  
 کسی خنده دارش کنه. مثلا اونجا که توی  
 صفحه مردم نوشته چرا بعضی ها بیشتر  
 ترش می کنند و یک مشت دلیل  
 فیزیولوژیکی عجب به غریب براش آورده  
 می گفتن که از من می پرسید بعضی  
 آخه مردم معلومه منم میباشم که با  
 خوندن یا شنیدن بعضی چیزها به تیرپ  
 قیاشون برمی خوره بیشتر ترش می  
 کنند. کسبایی که می خوانن دلادولا  
 شترسواری کنن وقتی بپشون یکی یا  
 اجازه کی سوار شتر مردم میشی بیشتر  
 ترش می کنن. خلاصه کلام هر کی بخواد  
 زبیری بره و کسی نفهمه، وقتی یکی  
 فهمید بیشتر ترش می کنه.  
 یا اونجایی که نوشته اسمال درجنشواره





مسئولین آزاد

الو روز بخیر و امرداد ۱۴  
سلام گزیر امرداد  
روی خط ۰۶-۸۸۲۴۸۰۶ با ما تماس بگیرید  
پیشنهادها و انتقادهای شما



انجمن زرتشتیان مزرعه کلانتر جطور اجازه دادند که یک زن قرارداد سقف سالن را امضاء کند؟ پولهایی که با خون دل از مردم گرفتند این طور جحف و میل شود؟ و کار به دادگاه و شکایت بکشد؟ حدود ۱۵ سال است که به طور ماهانه و سالیانه از ما پول می گیرید. چرا حساسی به مردم نمی دهید؟ آیا این حق ما نیست که بدانیم؟

بدون امضا

اعتراضی داشتم نسبت به درج خرج گشایش دفتر طلاق زرتشتیان. اگر هم چنین دفتری افتتاح شده است، توی یک روز نامه رسمی نباید اعلام شود چون وجهی زرتشتیان خراب می شود.

یکی از سئوکنیک معترضین تهران

امرداد: ما امروز در عصر ارتباطات به سر می بریم. یکی از اصول اساسی در ارتباطات نوین و امروزی، گردش و انتشار آرا و اخبار و اطلاعات است. ما هم بنابر همین اصل و همچنین وظیفه ای که در قبال اطلاع رسانی به جامعه بر عهده داریم، نسبت به چاپ این خبر اقدام کردیم. به علاوه اینکه ما معتقدیم در همه حال و همه زمانه حقیقت برتر از مصلحت است و دانستن حقیقت حق مسلم مردم.

پله هایی که تالار خسروی را به حیاط وصل می کنند همه شکسته و غیرقابل استفاده هستند. چند شب پیش، پس از مراسم عروسی پای همسر من در شکاف یکی از این پله ها گیر کرد و آسیب جدی دید. می خواستم بگویم اگر انجمن زرتشتیان بودجه نداشت چرا کار بازسازی سالن را شروع کرد که نیمه کاره رها کند؟ و واقعا مسئول و پاسخگویی اتفاقی از این دست چیست و ما باید از چه کسی شکایت کنیم؟

مادگار از تهران

وضعیت زمین های قصر فیروزه همچنان در پرده ابهام است

چه باید کرد؟

گروه خبر امرداد - تهران: دو سال و نیم از عقد قرارداد پلنریه و اجاره زمین های قصر فیروزه بین انجمن زرتشتیان تهران به عنوان متولی این زمین های موقوفه و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می گذرد. اما هنوز وضعیت این زمین ها نامعلوم و نامشخص است. به گزارش خبرنگار امرداد، چند تن از هوندان هیات مدیره اجاره ۳۹ انجمن زرتشتیان تهران به ریاست رستم آبادیان، رئیس هیات مدیره مذبوره، تیرماه سال گذشته در نشست جهت حل و فصل مشکلات موجود در مورد زمین های قصر فیروزه با مسئولان سپاه پاسداران شرکت کردند. حدود یکماه بعد، صورتجلسه پیشنهادی این نشست از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای اظهار نظر و رد یا تایید آن به انجمن زرتشتیان تهران فرستاده می شود. در این صورتجلسه با اشاره به بند ۳ و تفنانه زمین های موقوفه قصر فیروزه آمده است: در بند ۳ و تفنانه اراضی موقوفه زرتشتیان و اوقف وقت تاکید نموده است که متولی و ناظر (انجمن زرتشتیان تهران) باید فقط این اراضی را برای ساختمان سازی و زمین موقوفه به اشخاص اجازه دهند. مشروط بر اینکه اشخاص، ساختمان خود را برای خیریه زرتشتیان وقف نمایند. در بخش دیگری از این صورتجلسه اشاره به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با مجوز نخست وزیر وقت، سپاه پاسداران اراضی اسلامی یا علم به اینکه این اراضی جزء اراضی ملی است. در این اراضی مستقر شد و از بودجه دولت در این اراضی احداثات زیادی نموده، آمده است: پس از اینکه برای حکم حضرت امام (ره) از سال ۱۳۶۳ اراضی موقوفه که ملی اعلام شده بود در وقت خود فرو گشت، سپاه پیگیر این ملکیت و یا انعقاد قرارداد با مالکین یا متولیان اراضی مذکور شد تا اینکه در سال ۱۳۷۹ طی قرارداد مذکور (قرارداد پلنریه و اجاره) با متولیان وقت، قرارداد اجاره تنظیم نمود. در ادامه این صورتجلسه با اشاره به اینکه احداثات سپاه از بودجه



دولت بوده و پیش از دیدن وقف نامه در این زمین ها انجام گرفته، آمده است: برای اینکه مشخص شود آیا این احداثات که از بودجه دولت بوده است و در شرایط انجام گرفته است که پیش از حکم حضرت امام (ره) در خصوص اراضی وقفی بوده، می تواند شامل بند ۳ وقف نامه مذکور باشد یا خیر، مقرر شد از مراجع ذیصلاح (دفتر مقام معظم رهبری، دولت، اوقاف، ...) استعلام شود که در صورت موافقت مراجع مذکور طبق بند ۳ وقف نامه عمل می شود، در غیر اینصورت برابر با صورتجلسه مورخ هم استفاده ۷۹ عمل شود. سپاه پاسداران برای این استعلام اعلام کرده است که یکسال زمان نیاز است. اما بخشی از این صورتجلسه بسیار قابل تأمل است. در بند ۲ این صورتجلسه با اعلام اینکه رقم اجاره حدود ۴۳۷۰ هکتار زمین های قصر فیروزه که در اختیار سپاه پاسداران است، در طی مدت چند سال، رقم بسیار بالایی می شود، آمده است: از طرفی متولیان موقوفه اعلام آمادگی نمودند که می توانند اراضی مذکور (قصر فیروزه) را به سپاه بفرشند و به جای این زمین و ساختمان و پول از سپاه دریافت کنند و چاکرین این اراضی وقف نمایند. بنابراین گزارش، این در حالی است که طبق وقف نامه این زمین ها، زمین های قصر فیروزه متعلق به تمام زرتشتیان جهان است و نه فقط زرتشتیان ایران و متولیان موقوفه به هیچ وجه توانایی فروش این زمین ها بدون اخذ موافقت از زرتشتیان را ندارند. در ادامه آمده است: مقرر شد سپاه پس از کسب مجوز از سلسله مراتب خود برای خرید این اراضی اقدام نماید و سپس توسط کارشناس رسمی دادگستری مرخصی الطرفین، اراضی مذکور ارزش گذاری شده و در اولویت نخست زمین و ساختمان و سپس پول به انجمن زرتشتیان پرداخت شود. برای اجرای شدن این بند نیز به یکسال زمان نیاز است.

**ویلاک اجاره اح**  
در حوالی نوشهر (جیلک)  
با تمامی امکانات  
تلفن جدید:  
۴۰۵۵۸۶۹

**پیونیندیزتان مبارک نگران ماشین عروسی خود ناپسند**  
فقط با یک شماره برای شما همکیش عزیز  
۰۹۱۱۲۹۴۳۳۰۸

**کلیه امور مربوط به تزیینات و پانسمان در منزل پذیرفته می شود.**  
۶۷۱۴۷۲۵

**شرکت یکتالیزینگ**  
(سهامی خاص)  
شماره ثبت: ۱۹۲۰۲۱  
همکیشان گرامی:  
شرکت یکتالیزینگ با استفاده از روشهای جدید مدیریت مالی و بکارگیری صحیح ابزارهای مالی، تسهیلات متنوعی را جهت همکیشان گرامی ارائه می نماید. این شرکت مفتخر خواهد گردید تا ضمن همکاری با تولیدکنندگان عزیز بتواند خدمات لیزینگ مختلف را جهت پرسنل و زحمتمکش آنان فراهم نموده و همچنین نسبت به ارائه تسهیلات جهت اشتغالزایی جوانان قدم موثری بردارد.  
شرکت یکتالیزینگ آمادگی دارد علاوه بر خدمات لیزینگ، خدمات ذیل را نیز به متقاضیان گرامی ارائه نماید:  
× مشاوره و سرمایه گذاری در طرحهای مختلف و تهیه گزارش توجیبه و تامین منابع مالی  
× مشاوره در مدیریت گردش وجوه نقد  
شرکت یکتالیزینگ با اعتقاد بر ایجاد اشتغال برای جوانان و همکیشان گرامی، آمادگی دارد با مشارکت و سرمایه گذاری شما عزیزان اقدام به اعطای تسهیلات خرید ابزار کار، کامپیوتر، اتومبیل، تلفن همراه و غیره جهت جوانان جویای کار و همچنین تسهیلات خرید لوازم منزل و احتیاجات ضروری زندگی نموده، و علاوه بر پرداخت سود رقابتی، شما را در این امر مهم شریک می سازد.  
مدیرعامل: اشکان ذهبی ۰۹۱۳-۲۱۹۶۴-۰۹  
خیابان میرزای شیرازی - بالاتر از خیابان مطهری (تخت طاوس) - کوی نعیمی - پلاک ۱۹ - طبقه اول تلفن: ۸۷۱۹۳۴۱ - ۸۷۱۹۶۹۱

**سالمی راستی**  
با پیش از نیم قرن سابقه  
به آگاهی انجمنها، سازمانهای زرتشتی و بهدینان گرامی سراسر ایران و جهان می رساند این سالنما از سال ۱۳۷۹ کنون اقدام به چاپ راهنمای پشه های زرتشتیان نموده است. آ زمان داریم چه نامه در مشخصات پیشین انجمنها، سازمانها و شما بهدین گرامی تغییر یافته و یا ما را در کتاب مشخصات خودمی بایستد تا پایان شهریور ۱۳۸۲ با شماره های ۰۸۳۰۴۴۷۰ و ۰۸۲۰۰۹۸۲۰۰ (۰۲۱) ۰۲۱ @ تهران صندوق پستی ۱۱۶۹ - ۱۵۸۱۵ و یا پست الکترونیکی yahoo.com:email:rasticalendar@ تماس بگیرید و ما را در گسترش اطلاع رسانی صحیحیاری هدید (پس از فرج یاد شده سالمی راستی هیچگونه مسئولیتی ندارد) راه ما در راهنمای پشه های زرتشتیان (راستی) آگاهی دادن می باشد، بهدین گرامی شما نیاز به تبلیغات دارید دیگران به خدمات شما نیاز دارند (سالمی راستی ۱۳۸۲) ۳۷۲۲ (تلفن) با پیش از نیم قرن سابقه

**دکتر اسفندیار مالی**  
مشخصی گویگان و نوآدان  
آدرس: خیابان ولی عصر - بالاتر از میدان ونک - خیابان نگار - پلاک ۸  
تلفن: ۸۸۸۴۴۸۹  
پذیرایی: یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه

**موبایل کامپیوز**  
سیم کارت - فیش  
گوشی نو و کارکرده - نقد و اقساط  
سیستم موبایل ماهواره ای (تری)  
خطوط تلفن ثابت تمام مناطق  
۰۶۵۲۰۵۸۰ - ۰۶۵۲۰۵۸۰  
۰۶۵۲۵۹۸۸ - ۰۶۵۲۵۹۸۸  
موبایل ۰۹۱۳۲۲۳۲۴۴

**یسنا کامپیوتر**  
سخت افزار، نرم افزار، سرویس و پشتیبانی، خدمات، اینترنت، تعمیر قطعات  
نشانی: ولیعصر بالاتر از چهارراه طالقانی مرکز کامپیوتر ایران ورودی دوم پلاک ۸۴  
تلفن: ۰۹۱۱۲۳۴۲۹۴۷ - ۸۸۰۵۱۲۸

**کتیبه زمان** نخستین نرم افزار از تقویم زرتشتیان با بخشهای مختلف جهت معرفی و آشنایی حرفه شما عزیزان به سایر همکیشان از سراسر جهان تبلیغات میپذیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن یا Email زیر تماس حاصل نمایید.  
www.yahoo.com:katibeye\_zaman  
مزدهاریان ۴۳۷۸۶۱

**مشاور املاک شما همکیشان در کرج**  
رستم پرویزی  
تلفن: ۰۲۶۱-۰۵۲۷۰۰۵۲۷-۰۶۰۱۸۷۵۰  
نشانی: برج عظیمیه، خیابان شمس پلاک ۱۷۰

**واسطین مسکن در خدمت همکیشان محترم**  
خرید، فروش، رهن و اجاره  
آدرس: یوسف آباد، میدان فرحیخت (سلماس)، خیابان شهیار، پلاک ۱۳۴  
تلفن: ۸۰۲۳۶۴۲ - ۸۰۲۳۳۵۲

**مشاور املاک راستین**  
فروش، رهن، اجاره  
مدرسه، مراکز درمانی، مراکز تجاری، مراکز آموزشی  
تلفن: ۷۲۴۳۱۲۴

از این پس نامه هایتان را به آدرس صندوق پستی: امرداد - تهران - ۱۴۴ - ۱۵۸۵۵ ارسال کنید

**گروه فنی اهورا**  
تعمیر، نصب و راه اندازی انواع وسایل برقی  
سیم کشی ساختمان، اف اف و سرویس کولر  
تلفن: ۰۲۶۹۸۱۹ - ۰۸۰۴۹۸۱۹

**مشاور املاک شما در کرج مسکن پارسیان**  
تلفن: ۰۲۶۱-۴۴۱۴۹۶۳  
۰۲۶۱-۴۲۶۸۶۷  
نشانی: گوهر دشت - فلکه اول - جنب بانک مسکن

**پلاستیک سازی دهنادی**  
تولیدکننده  
انواع لوله های مومی و پروفیل پلاستیکی  
نشانی: کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج  
خیابان دارو پخش، خیابان مهندس خودکار  
تلفن: ۰۲۶۲-۳۸۳۱۴۴۲

**امرداد**  
مقاله نامه (مکتوب، نور، هفته شکار) خیری، فرهنگی، اجتماعی  
ناشر: بنیاد فرهنگی جمشید، جاماسب، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: جمشید کیومرثی  
زیر نظر شورای سردبیری  
صفحات میبای نورنگر، پودر چهره پر خرید  
مدیر هنری: کیخسرو خادم  
مدیر داخلی: آرش تورافروز  
لیتوگرافی و چاپ: کیان  
نشانی: خردمند شالی، کوچه ۶ شماره ۲ کهنه ۱۵۵۸  
تلفن: ۸۸۲۴۸۰۶ - ۸۸۲۴۸۰۶  
مقالات چاپ شده از زمانظر امرداد نسبت به امرداد در ویرایش مطالب آزاد است. امکان بازگرداندن مطالب داده شده به امرداد وجود ندارد. استفاده از مطالب چاپ شده در امرداد، تنها با ذکر منبع آزاد است. پست الکترونیک: amرداد@hotmal.com  
www.amرداد.4t.com